

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نو آفرینی

## تینا سیلیگ

## محمد رضا آل یاسین

## فهرست

صفحه	نامهای به خوانندگان	ردیف
۵	نامه‌ای به خوانندگان.....	۱۱
۱۱	مقدمه - از الهام تا اجرا.....	۱۹
۳۱	بخش اول - تخیل.....	۳۹
۳۹	فصل اول - درگیر شدن در کاری تازه.....	۵۳
۵۳	فصل دوم - تصویرسازی ذهنی.....	۸۵
۸۵	بخش دوم - خلاقیت.....	۹۱
۹۱	فصل سوم - شور و انگیزه.....	۱۰۹
۱۰۹	فصل چهارم - آزمودن و تجربه کردن.....	۱۲۷
۱۲۷	بخش سوم - نوآوری.....	۱۳۳
۱۳۳	فصل پنجم - تمرکز.....	۱۵۱
۱۵۱	فصل ششم - تغییر چارچوبها.....	۱۷۱
۱۷۱	بخش چهارم - کارآفرینی.....	۱۷۷
۱۷۷	فصل هفتم - پایداری.....	۱۹۷
۱۹۷	فصل هشتم - الهام.....	۲۲۱
۲۲۱	خلاصه پروژه‌ها.....	

## نامه‌ای به خوانندگان

چندی پیش بر حسب تصادف به نامه‌ای که سی سال پیش برای خودم نوشته بودم برخورددم. در جعبه‌ی قدیمی مکاتباتم در جستجوی نامه‌ای از دوستی در دوران نوجوانی‌ام بودم که پس از انتشار کتاب: «یکاش وقتی ۲۰ ساله بودم می‌دانستم» به من دسترسی پیدا کرده بود. اما در حال این جستجو به نامه‌ای برخورد کردم که در آستانه‌ی بیستمین سالگرد تولدم خطاب به خودم نوشته بودم. با مرور این نامه دوره‌ای از زندگی‌ام را به خاطر آوردم که ذهنم با آرزوهای بزرگ و تردیده‌های بزرگتر برای جامه‌ی عمل پوشاندن به آنها درآمیخته بود. این نامه توضیح می‌داد که دسترسی به قابلیت‌های باطنی برای متحقق ساختن رؤیایها مستلزم آن است که با مشکلات زندگی به مقابله برخیزیم و سر در مقابل‌شان خم نکنیم. در ضمن نامه‌ی مذکور تأکیدی است بر مطالب کتاب اخیرم «یکاش وقتی ۲۰ ساله بودم می‌دانستم» که توصیف می‌کند زاویه‌ی دیدمان را به محیط پیرامونمان محدود نکنیم، جامع و جهانی بیندیشیم؛ بر جهان و ساکنانش تأثیر مثبت گذاریم و اقامت‌مان را در این سیاره توجیه کنیم.

بریده‌ای از این نامه به شرح زیر است:

در ماه آینده بیست ساله خواهم شد و می‌بایستی تاکنون شخصی واقعی شده باشم؛ فردی مسئول و هدفمند، اما خود را در این مقام و موقعیت نمی‌بینم؛ مایلم در محافل و مجالس با سخنان دلنشین و اطلاعات غنی و دست اول افراد را مجذوب کنم، اما خود را در چنین شرایطی حس نمی‌کنم. می‌خواهم باهوش باشم. اما نیستم، می‌خواهم شبیه به افرادی باشم که مایلم ملاقات‌شان کنم؛ اما به ظاهر این خواسته عملی نیست. چه‌بسا اینها اهدافی غیر قابل حصول و حتی مضحک باشند. پس بهتر است پیش از آغاز متوقف شوم.

مرور نامه‌ی فوق نمایانگر آن است که تا چه اندازه در جهت دستیابی به خواسته‌هایم پیشروی کرده‌ام - از جوان بیست‌ساله‌ای که نمی‌دانست سفرش در بزرگسالی از کجا آغاز خواهد شد و از همین روی افکار منفی و سیاه و هراس‌آلود و تردیدآمیز به ذهن راه می‌داد تا آشنا شدن با افق‌های تازه، مشاهده‌ی صحنه‌های وسیع‌تر زندگی، عبور از موانع و نهایتاً دستیابی به مقام و مرتبتی والا و تأثیرگذار.

در بیست‌سالگی‌ام برای انجام کاری پرمعنا از شور و شوق لبریز بودم. اما نمی‌دانستم چگونه همه‌ی نیروهای نهفته در وجودم را برای رسیدن به این هدف به جریان انداخته و جهت‌گیری تازه‌ای در زندگی‌ام ایجاد کنم. اکنون بعد از گذشت سی سال بر این باورم که برای پل زدن بین شرایط کنونی و آینده‌ای که خواهان آفرینش آن هستید به سه عامل مهم و کلیدی نیاز دارید:

نخست ذهن کارآفرین که به شما امکان می‌دهد دنیا را سرشار از فرصتهای گوناگون ببینید و برای تحقق بخشیدن به آنها پیوسته مترصد غنی ساختن دانش و تجربه‌ی خود بوده و اندیشه‌های نو و عقاید تازه را

بیازمایید. این نکته را نباید از نظر دور داشت که سرنوشت آدمی متأثر از طالع و قضا و قدر و ماه و ستاره نیست. انسان فاعل خودمختاری است که می‌تواند هدایت زندگی‌اش را به دست گیرد و از کوره‌راهها به سر منزل مقصود برسد. در این راستا او نخست باید بیشتر قواعد جاری را توصیه نامه و یا پیشنهاد تلقی کرده و هر فرضیه‌ای را بیازماید و به چالش بکشد. من هنگام نگارش کتاب: «ایکاش وقتی ۲۰ ساله بودم می‌دانستم.» با شرح و بسط این درسها را توضیح دادم. به طور مثال: چنانچه پاشنه‌های کفش‌تان را ور بکشید، راه بیفتید و از گوشه‌ی امن و بی‌خطر زندگی‌تان پا فراتر نهدید، از شکست نهراسید و نسبت به ناممکن‌ها برداشت درستی داشته باشید دیر یا زود فرصتهای بی‌حد و حصری در برابر‌تان نمایان خواهد شد. آری، این اعمال تعادل زندگی‌تان را برهم زده و آن را آشفته و بی‌نظم می‌کند. اما در عوض شما را به مقام‌ها و موقعیتهایی رهنمون می‌کند که هرگز تصور نمی‌کردید روزی آن را به چشم ببینید. لنزهایی را بر چشمانتان می‌نهد تا مسایل را فرصتها ببینید. و از همه مهم‌تر، اعتماد به نفس‌تان را پیوسته ارتقاء می‌دهد تا در پرتو آن مسایل را به بهترین شیوه‌ی ممکن حل و فصل کنید.

دومین عامل کلیدی مجموعه ابزارهایی برای حل مشکلات و بهره‌برداری از فرصتهایی است که خواه ناخواه در طول مسیر با آنها روبه‌رو خواهید شد. در کتاب بعدی‌ام: «در پرتو نبوغ» که درسهای نیرومندی درباره‌ی خلاقیت است به شما نشان می‌دهم چگونه از عوامل درونی و بیرونی برای هموارساختن مسیر ابداع و نوآوری سود ببرید.